



قرآن به صراحت به ولایت امیرالمومنین(ع) اشاره کرده است

یک کارشناس دینی در پاسخ به برخی از شبهات پیرامون غدیر گفت: برخی از علمای اهل سنت، مراد از «الیوم» در آیه «الیوم اکملت لکم دینکم...»

یک کارشناس دینی در پاسخ به برخی از شبهات پیرامون غدیر گفت: برخی از علمای اهل سنت، مراد از «الیوم» در آیه «الیوم اکملت لکم دینکم...» را روز عرفة می گیرند. اگر بنا باشد روز عرفة مراد آیه باشد آن بخشی از آیه که می گوید دشمنان اسلام و کفار مایوس شدند با آن جور در نمی آید زیرا در روز عرفة اتفاق خاصی نیفتاده است که مایوس کننده دشمنان باشد.

خبرگزاری مهر - گروه دین و اندیشه: ضمن تریک فرارسیدن سالروز عید غدیر به مناسبت این عید فرخنده، بر آن شدیم تا پاسخ چند شبهه و پرسش درباره واقعه غدیر و انتصاب حضرت علی(ع) به جانشینی پیامبر(ص) را از چند تن از کارشناسان دینی جویا شویم که مشروح آن در ادامه می آید:

حجت الاسلام سید محمد سادات منصوری رئیس مرکز پاسخگویی به سؤالات دینی سازمان تبلیغات اسلامی در گفتگو با خبرنگار مهر در مورد اینکه منظور از کامل شدن دین و اتمام نعمت در آیه "الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي..." چیست گفت: در قرآن کریم، نعمت وقتی به شکل مطلق می آید به معنای ولایت است. اتممت علیکم نعمتی یعنی با نصب امیرالمومنین(ع) نعمت ولایت را بر شما تکمیل کردم. پیامبراکرم (ص) در آن چند سالی که دوره پیامبری و نبوتشان بود، وقت کافی برای بیان همه احکام را نداشتند. هر چند که قرآن کریم به طور کامل بر پیامبر(ص) نازل شد اما قرآن حکم قانون اساسی را دارد و بیشتر، کلیات را بیان کرده است و جزئیات دین و فقه و اخلاق و معارف اسلامی در قرآن نیامده است و این مسئله نیاز به شخصیتی دارد که با غیب در ارتباط است و معصوم است تا آنها را برای مردم بازگو کند. اگر بعد از پیامبر(ص) شخصیتی مثل امیرالمومنین(ع) در جامعه نباشد که مردم را دعوت به راه صحیح هدایت کند، آن وقت دین حتماً به طور ناقص به دست مردم می رسد و تکمیل نبوده و نشده است. به همین جهت وجود مبارک امیرالمومنین(ع) و اعلام جانشینی ایشان به مردم همان تکمیل اسلام و اتمام سنت است زیرا منظور از نعمت، نعمت ولایت است و این نعمت باید بر مردم تمام شود. پیامبر اکرم(ص) در دوره خود و در زمانی که حیات داشتند ولیّ مومنین بودند. بعد از رحلتشان، مردم نیاز به ولی زنده و حیّ داشتند که آن هم امیرالمومنین بود.

محمد صادق یوسفی مقدم رئیس مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم هم در توضیح معنای آیه الیوم اکملت لکم دینکم و ... اظهار کرد: اساس دین بر چند اصل استوار است. یکی بحث توحید و بعد از آن هم نبوت. به این معنا که وقتی پیامبر خاتم، دین، احکام الهی، شریعت و دستورات دینی را برای انسانها آورد، آن عاملی که باید حافظ دین و مفسر دین باشد و بتواند دین را از تحریف و انحراف محافظت کند هم باید به مردم معرفی شود. بر همین اساس وقتی که در روز غدیر، خدا به پیامبرش دستور می دهد که مسئله ولایت را برای مردم بیان کند و پیامبر اکرم(ص) در آن روز مأمور می شود تا موضوع ولایت امیرالمومنین را برای مردم بیان کند، دین تکمیل می شود. یعنی آن چیزی که باید دین را حفظ کند و از انحراف جلوگیری کند و مردم را هدایت کند تا باقی بماند، عامل ولایت و امامت است که خداوند متعال معرفی کرد. با معرفی امیرالمومنین(ع) به عنوان خلیفه و به عنوان ولی امر مسلمین دین خدا تکمیل گردید.

بعد هم می گوید و اتممت علیکم نعمتی، هم دین کامل شد و هم نعمت خدا به اتمام رسید. یعنی اگر اعتقاد توحیدی می داشتیم، اعتقاد به نبوت هم می داشتیم اما از امامت که می تواند دین را از انحراف و تحریف نجات بخشد برخوردار نبودیم، دین خدا کامل نبود. بنابراین با بحث ولایت و امامت است که دین خدا کامل می شود.

حجت الاسلام محمد حسین مشکوری در پاسخ به این سوال گفت: پیغمبر گرامی اسلام(ص) و هر نبی ای در طول تاریخ بشریت به عنوان مبلغ دین خدا و ابلاغ کننده دستورات دین به مردم مشخص شده است. «انما علیک البلاغ و علینا الحساب» یعنی پیغمبران هیچ وظیفه ای ندارند الا اینکه دین خدا را به شما بگویند. رسولان دین را ابلاغ می کنند، «و ما علی الرسول الا البلاغ». تا می رسد به پیغمبر خاتم(ص) که ثمره 124 هزار پیامبر هستند. وجود مبارک پیغمبر اسلام(ص) با عنوان دین خاتم و دین نهایی، ارائه نسخه هدایت بشر را تا روز قیامت به عهده دارند. بنابراین ایشان کارشان فقط تبلیغ است و دیگر کاری ندارند. پیامبر اسلام به خوبی این وظیفه را انجام داد اما این جریان یک مهره مفقوده دارد و آن این است که اگر پیغمبر(ص) به رحمت خدا بروند، هدایت این دین بر عهده چه کسی خواهد بود؟ کامل شدن این حلقه به واسطه یک وصی و راه بلد و راهبری است که مثل پیغمبر(ص) معصوم باشد اما دیگر وحی به او نازل نمی شود و او امام است.

چرا روز غدیر دین را اکمال می کند؟ می فرماید «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ» اگر این کار را نکنی اصلاً رسالت را انجام نداده ای. یعنی 124 هزار پیامبر کارشان را انجام نداده اند زیرا آنها دائماً دین را تکمیل کردند تا رسید به نفر آخر و گفت اگر ابلاغ نکنی گویی که هیچ کدام ابلاغ نکرده اند. زیرا دین پاسبان و نگهبان و حافظ می خواهد. اگر آن را رها کنیم، مثل این می ماند که طلایی را بین عابرین پیاده رها کنیم و برویم. طلا متاع ارزشمند و گرانبهائی است که به راحتی به دستان نرسیده است. این دین هم نیاز به امام و وصی ای دارد که آن را تا روز قیامت نگه دارد و این

سلسله به دست ائمه (ع) ایجاد خواهد شد.

وجود امام وجه تتیمی و تکمیلی دارد. یعنی اکمال و اتمام دین. دین کامل می شود چون قرار است به این شخصیت تحویل گردد و تمام می شود زیرا نعمت تمام شده و به دست صاحب اصلی اش رسیده است. «رضیکم الله أنصارا لدینه و کھفا لرسوله» از این جهت خدا راضی شد. پیغمبران الهی دینشان می خواهد به دست ولی ای بیفتد که تا روز قیامت نسل به نسل آن را نگه دارند و حفظ کنند. کما این که این دین به میمنت وجود مبارک ولی عصر(عج) حفظ شده و بنا بر قاعده لطف، خداوند برما لطف کرده است. این فلسفه اکملت و اتممت است. علامه امینی این مسئله را به خوبی در الغدیر توضیح داده اند و شواهدی هم از اهل سنت آورده اند. روش ایشان در این کتاب این بوده که گفته من می خواهم اثبات ولایت حقه علی(ع) را از منابع اهل سنت انجام دهم.

حجت الاسلام مهدی رستم نژاد عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه نیز در پاسخ به این سوال گفت: درباره وضو که برای نماز است و هم درباره حج گفته شده که ما این طهارت را دادیم تا برای شما نعمت تمام شود. یعنی آن نماز و طهارت برای اتمام نعمتی است که خداوند می خواهد بدهد. چند سال بعد وقتی که مسئله حج تشریح شد، باز هم در قرآن داریم «لأنتم نعمتی علیکم و لعلکم تهتدون» می گوید برای این است که خداوند در آینده نعمتش را بر شما تمام کند. اما وقتی که به مسئله غدیر یعنی به مسئله ولایت می رسیم، دیگر برای آینده وعده نمی دهد که می خواهد تمام کند. می گوید تمام کردم. معلوم است که آن عبادات همه برای رسیدن به مقصدی است و آن مقصد نهایی ولایت است. یعنی، ولایت به منزله امضاء و نهایی شدن پیکره و ساختمان عظیم شریعت است.

این ساختمان وقتی که همه چیزش به اتمام و کمال رسید می گویند این خانه ساخته شد و به اتمام رسید. یعنی دیگر کاری نداریم. یعنی بنا و مبنا و دیوارها و نقاشی ها هم ظاهر و هم درونش و بقول امروزی ها هم نرم افزار هم سخت افزارش دیگر تمام شد و به کمال خودش رسید. در این آیه هم که اشاره شد معنایش همین مسئله است که «اليوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی...» اولاً درباره دین می گوید که من کاملش کردم و این که «اتممت علیکم نعمتی» و نعمتم را بر شما تمام کردم. یعنی تا به امروز تمام نبود و در آیات قبلی مدام وعده می دهد که در سالهای بعد اتمام خواهد شد یا تمامش می کنیم اما اینجا که می رسد می گوید تمامش کردم. بعد از این دیگر حالت انتظار نداشته باشید. دینتان کامل شده و در اختیار شما قرار گرفته و آن نعمت ولایت است.

حجت الاسلام محسن لاهوتیان استاد حوزه هم در پاسخ به این سوال گفت: شاید قبل از اینکه اصل معنای «اليوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی...» را بخواهیم بیان کنیم بد نباشد که یکی دو نظر از نظرات اهل سنت را در این زمینه بگوییم. علمای اهل سنت در هر کلمه از این آیه شریفه دقیق شده و تفسیری کرده اند. مثلاً در کلمه الیوم بعضی از اینها الیوم را به معنی روز غدیر نمی گیرند بلکه مراد این آیه را روز عرفه می گیرند. البته به استناد تاریخ و اینکه بالاخره اگر بنا باشد روز عرفه مراد آیه باشد آن بخشی از آیه که می گوید دشمنان اسلام و کفار مایوس شدند با این مسئله جور در نمی آید. زیرا در روز عرفه اتفاق خاصی نیفتاده است که مایوس کننده دشمنان باشد یا در اکمال دین، بعضی از علمای اهل سنت گفته اند مراد از این آیه تعلیم عملی حج تمتع و نه واقعه غدیر و ولایت امیرالمومنین بوده است. این هم باز با توجه به شواهد تاریخی و آنچه که در تفاسیر ما آمده اشتباه است. زیرا با آن قسمت آیه که می گوید «اليوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی...» جور در نمی آید. آنجایی که اگر بنا باشد اکمال دین باشد و اکمال دین به آموزش و تعلیم بعضی از مناسک حج باشد این اکمال دین نیست. علمای ما هم از جمله شهید مطهری معنای این دو بخش از آیه را توضیح داده اند: اکمال و اتمام فرقی در این است که اتمام را اگر ساختمانی ناقص باشد و اجزایش را بخواهیم اضافه کنیم به این کار اتمام می گویند. اتمام آن ساختمان به این است که اگر مثلاً سقف ندارد سقف بزنیم یا درهایش نصب نشده درهایش را کار بگذاریم و اجزای دیگر همینطور. این کار به معنای اتمام ساختمان است. اما اکمال یعنی چیزی تمام شده و نقصی ندارد اما روح و واقعیت و آن آثاری که از آن مد نظر است به آن هنوز باز نشده است. به عنوان مثال در معنای اکمال، شهید مطهری اشاره می کند کمال علم در عمل است. یعنی اگر عمل به علم اضافه نشود، آن علم کمال پیدا نکرده است. این مسئله به معنای آن نیست که علم شما ناقص است یا چیزی از آن وجود ندارد؛ نه، علم هست اما روح علم به آن عمل است و اگر عمل نباشد علم شما کمال پیدا نکرده است. لذا می گویند اکملت؛ اما اگر شما اکمال را در کنار اتمام قرار دهید فرقی مشخص می شود که نصب امیرالمومنین (ع) به امامت به اعتبار اینکه چیزی از اجزای دین ناقص است و هنوز به دین اضافه نشده است این به معنای تمام شدن نعمت است. یعنی نعمت ناتمام بود و حالا که ولایت امیرالمومنین(ع) در قضیه خلافت در روز غدیر معین شده نعمت تمام می شود. اما اگر به معنای اکمال توجه کنیم به این معنا است که روح دین و آن واقعیت و کنه معارف دین در ولایت امیرالمومنین(ع) نهفته شده است. لذا اکمال دین یعنی رسیدن روح ولایت در دستورات دینی و شرعی.

در روایات دیگری هم ملاحظه می کنید اهل بیت(ع) اشاره می کنند که مثلاً روح نماز، ولایت امیرالمومنین(ع) است یا در حدیث معروف داریم که «بنی الاسلام علی خمس» اسلام بر 5 ستون بنا نهاده شده است. در ذیل آن حدیث، آخرین قسمتی را که اشاره می کند ولایت امیر مومنان (ع) است. آن وقت می گوید هیچ چیزی در اسلام به اندازه ولایت تأکید و سفارش نشده است. اگر ولایت نباشد، دستورات دیگر کان لم یکن است. نماز بی ولای او عبادتی بیهوده است. بنابراین اتمام نعمت، از این جهت از مهمترین دستورات الهی است که به دین اضافه می شود و اتمام نعمت می شود. اکمال دین به این است که ولایت، روح دستورات دینی است. در روز عید غدیر، خداوند به حضرت پیامبر اکرم(ص) دستور می دهد که آن را به مردم ابلاغ کند.

حجت الاسلام سادات منصوری در مورد اینکه آیا در قرآن اشارات مستقیمی به ولایت امیرالمومنین(ع) شده است گفت: اشاره

به ولایت شده است و مستقیم هم اشاره شده است اما به نام امیرالمومنین (ع) و اهل بیت (ع) به طور صریح اشاره نشده است. عده ای این پرسش را که چرا نام حضرت علی (ع) در قرآن نیامده را مطرح می کنند و می گویند که اگر نام ایشان در قرآن می آمد، اختلاف پیش نمی آمد و یا کمتر می شد. بعضی ها جواب می دهند اگر نام امیرالمومنین (ع) در قرآن می آمد قرآن تحریف می شد.

شاید جواب بهتر این است که اگر اسم علی (ع) در قرآن و در دوران حیات پیامبر (ص) به عنوان جانشین می آمد، جان حضرت علی (ع) در خطر می افتاد. برای اینکه نخستین چیزی که دشمنان اسلام و دشمنان ولایت و دین به آن توجه می کنند و آن را مورد نظر قرار می دهند این است که بلافاصله کسی که جانشین پیامبر از طرف خدا شده را از بین ببرند. لذا برای حفظ جان حضرت علی (ع) نام مقدس ایشان در قرآن کریم نیامد.

حجت الاسلام یوسفی مقدم هم در پاسخ این سوال گفت: در موارد متعددی این مسئله بیان شده است. آیه مخصوص ولایت «انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة و یؤتون الزکوة و هم راکعون.» که در آنجا مسئله ولایت تثبیت شده و همه مفسرین اتفاق نظر دارند که این ولی ای که در این آیه مورد نظر است، تنها و تنها مقصود امیرالمومنین (ع) است. مورد دیگر، آیه تبلیغ است که در این آیه خداوند متعال پیامبر (ص) را مأمور کرد در آخرین حجت (حجة الوداع) ولایت امیرالمومنین را برای مردم بیان کند و لذا در آن منطقه غدیر، پیامبر اکرم امر به رحل اقامت دادند و در حدود سه روز مسلمانها در آنجا معطل شدند. منطقه چهار راهی که مسلمانان از بلاد مختلف اسلامی در آنجا جمع شدند که حدود 80 هزار نفر مسلمان در تاریخ ذکر شده است. آنجا متوقف شدند و پیامبر در آنجا بعد از سه روز این آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ» ای رسول خدا آنچه به تو فرمان داده ابلاغ کن و اگر ابلاغ نکنی رسالت را به انجام نرسانده ای را قرائت نمود. بعد از این آیه بود که پیامبر گرامی اسلام بلند شد و در حضور مردم و در حالی که علی (ع) در کنارش بود اعلام کرد ای مردم! آیا من نسبت به شما اولی و مقدم نیستم؟ گفتند بله همینطور است. پیامبر اکرم (ص) آنوقت فرمود هر کسی که من مولای اویم علی هم مولای اوست. همان ولایتی که خداوند به پیامبرش داده است، همان ولایت برای امیر المومنین (ع) هم ثابت است. بنابراین تعدادی از آیات شریفه قرآن به ولایت امیرالمومنین (ع) دلالت دارند.

حجت الاسلام رستم نژاد هم در پاسخ به این سوال گفت: آیه «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ» ما انزل اشاره به چیزی دارد که نازل شد. به پیغمبر اسلام (ص) می گوید به آنچه که نازل شد را تبییناً، تعیناً و تطبیقاً در خارج به مردم نشان بدهد. شما می بینید که پیغمبر (ص) در روز غدیر آیات قرآن زیادی نخواند. بر اساس اکثر روایات آمده است که دست علی (ع) را گرفت و بالا برد و فرمود «من كنت مولاً فهذا علی مولاً» یعنی هم امیرالمومنین را دستش را بالا می برد و نشان می دهد هم اسمش را می برد و هم با اسم ضمیر «هذا» اشاره می کند. یعنی با آیه ولایت تطبیق دارد که «انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة و یؤتون الزکوة و هم راکعون.» به این وسیله این آیه را تبیین و هم تفسیر می کند که قبلاً نازل شده بود. چند آیه قبلتر آیه «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ»

درسوره مائده «انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة و یؤتون الزکوة و هم راکعون.» داستان انگشت زدن امیرالمومنین (ع) است. «ولی» در اینجا یعنی همان صاحب ولایت. یعنی صاحب ولایت شما خدا و رسولش و آن کسی است که در حال نماز در رکوع اتفاق کرد. به تأیید همه فرقه های اسلامی، او کسی به جز امیرالمومنین (ع) نیست.

حجت الاسلام سادات منصوری در مورد اینکه مفهوم ولایت در متون دینی یعنی قرآن و احادیث چه جایگاهی دارد یادآور شد: آنطور که در بعضی روایات آمده، رکن رکن اسلام ولایت است. یعنی اگر ولایت نباشد بقیه ارکان اسلام معطل و بی فایده هستند زیرا پرچم ولایت در دست ولی الهی است و آن ولی الهی است که مردم را هدایت می کند. بقیه چیزها ابزاری است. مثلاً نماز و روزه و حج و زکات اینها ابزار است. مثل اینکه شما سوار اتومبیل یا هواپیمای تند و سریعی شده اید ولی راننده یا خلبان ندارد و یا راننده و خلبان نقشه درستی ندارند و نمی دانند به کجا باید بروند. مقصدشان معلوم نیست. هرچند که این اتومبیل یا هواپیما تند و سریع باشد، اما نمی تواند شما را به جایی برساند. مگر اینکه راهنمایی داشته باشید که شما را راهنمایی کند و به مقصد برساند. برای همین مسئله است که ولایت در اسلام، رکن رکن دین است.

حجت الاسلام یوسفی مقدم هم در پاسخ به این سوال گفت: موضوع ولایت هم در قرآن کریم و هم در روایات از موضوعات بسیار مهمی تلقی شده است. در آن حدیث قدسی «کلمة لا اله الا الله حصنی و من دخل حصنی امن من عذابی» امام رضا (ع) راه رسیدن به توحید را از مجرای ولایت می دانند. بنابراین، ولایت موضوع بسیار مهمی است و معنای ولایت در قرآن و روایات، آن حاکمیت و رهبری و سیادت اسلامی است.

حجت الاسلام محمد حسین مشکوری هم در پاسخ به این سوال گفت: نکته ای را امام (ره) در یکی از مناسبت های غدیر فرمودند که غدیر برای امیرالمومنین (ع) فضیلتی ندارد چون اصلاً گزینه دیگری غیر از امیرالمومنین برای جانشینی مطرح نبود. مگر اعتقاد به این نداریم که جانشین پیامبر (ص) باید در شجاعت و زهد و علم و تقوا مثل پیامبر باشد؟ چه کسی بعد از پیامبر اکرم (ص) این شرایط را داشت؟ این نکته ای است که زیاد می شود روی آن کار کرد. اعلیت و افضلیت امیرالمومنین و تقوا و ازهدیت ایشان را وقتی بررسی می کنیم می بینیم روز غدیر جایگاه اعلام بوده است. لذا شما می بینید از روز یوم الدار همان اوایل اسلام که علی (ع) 13 ساله است، جانشینی او به نزدیکان پیامبر (ص) و به عشیره و قبیله اش گوشزد می شود تا روز غدیر. این تعیین جانشینی و وصی بودن پیامبر (ص) جدید نبود. از یوم الدار بوده تا غدیر.

رستم نژاد هم در پاسخ به این سوال تصریح کرد: ولایت را خود قرآن معنی کرده است. در آیه «انما ولیکم الله و...» این «انما

ولیکم الله « ولایت از همین واژه ولیّ درباره خدا و رسولش است. ولایت خدا و رسولش بر جان مسلمانان است. قرآن می فرماید: «الَّتِي أُوتِيَ بِهَا الْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ» این در سوره احزاب است. «اولی» هم از واژه ولایت گرفته شده است. رسول مکرم اسلام اولی است. یعنی صاحب ولایت برتر است. حتی از خودتان نسبت به خودتان برتر است. می فرماید ولایت رسول الله بر شما، از خودتان تام تر بر خودتان است. پیامبر بر جان شما، ولایت دارد. بر همه چیز ولایت دارد. این ولایت خدا و در امتداد ولایت خداست که در قرآن هم بیان شده است. لذا در روز غدیر هم پیغمبر(ص) تأکیدشان بر همین بود که فرمود «من کنت مولا فهذا علی مولا» یعنی همان طور که من بر شما ولی هستم و من بر شما اختیار دارم و صاحب هستم، همین طور حضرت علی(ع) صاحب و ولی بر شماست. فرمود امیرالمومنین(ع) بر شما ولایت دارد بلکه فرمود به همان معنا که من بر شما ولایت دارم علی(ع) هم بر شما ولایت دارد.

حجت الاسلام محسن لاهوتیان هم در پاسخ به این سوال گفت: باز در این زمینه علمای اهل سنت در این زمینه بحث ها کرده اند. سعی و تلاش برخی از علمای اهل سنت بر این بود که تفسیر و تأویل دیگری از آیات قرآن در این زمینه ارائه بدهند. از جمله در باب ولایت امیرالمومنین(ع) وقتی درباره کلمه ولی که در حدیث غدیر و در خطبه غدیر وارد شده بحث می کنند می گویند کلمه ولی و آن ولایت به این معناست که «ولی» به معنای ولایت و آن منصب خلافت نیست و منظور پیغمبر(ص) هم از من کنت مولا فهذا علی مولا این است که هر کس من ولی و مولای او هستم یعنی من دوست او هستم علی هم دوست اوست. ولی معنای خلافت و ولایت ندارد.

اگر بخواهیم پاسخ مستندی در این باره به اهل سنت بدهیم به راحتی می توان به آنها تذکر داد. اولین جواب این است که مسئله دوستی امیرالمومنین(ع) آنقدر مسئله مخفی و پیچیده ای نبوده که به این همه تأکید نیاز داشته باشد. پیغمبر اکرم(ص) در روز غدیر دستور دادند آنهایی که جلوتر هستند برگردند و آنهایی که عقب هستند برسند و در منطقه غدیر، توقف کنند. در یک بیابان خشک لم یزرع که آب در آن به سختی پیدا می شد و سایبانی نداشت و گرما به شدت افراد را اذیت می کرد و مردم پیراهن هایشان را از شدت گرما روی سرشان کشیده بودند، پیغمبر(ص) دستور می دهد اینجا توقف کنید. اینها همه نشان از اهمیت قضیه دارد. واقعاً اگر کمی فکر کنیم می بینیم که ولی به معنای دوست اگر باشد چه اهمیتی داشت که پیغمبر(ص) این همه سختی به مسلمانان بدهد که بخواهد اقرار کند هر کس من دوست او هستم علی دوست اوست؟

از طرف دیگر، قسمت های دیگر همین آیه شریفه و حدیث غدیر در خطبه غدیر را وقتی مطالعه می کنیم می بینیم قبل از اینکه پیغمبر(ص) این کلمه و عبارت ولایت را برای امیرالمومنین(ع) به کار ببرد از جمله «الَّتِي أُوتِيَ بِهَا الْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ» استفاده می کند. اگر ولی به معنای دوستی باشد، با این قسمت حدیث جور در نمی آید.

جواب دیگر به اهل سنت این است که اگر ولایت به معنای دوستی باشد، این همه تبریک گفتن هایی که به حضرت علی(ع) بعد از این واقعه ثبت شده چه معنایی دارد؟ تا چند روز پیغمبر(ص) و علی(ع) نشسته بودند و سیل جمعیت حتی خانم ها می آمدند و به امیر المومنین(ع) تبریک می گفتند و حتی خلیفه اول و دوم هم آمدند به امیرالمومنین(ع) تبریک گفتند. آیا اگر واقعاً ولایت به معنی دوستی باشد آیا لزومی به اینهمه تبریک وجود داشت؟

از جمله شواهد دیگر در این زمینه این است بزرگان شعر و ادبیات عرب از جمله حسان بن ثابت که اشعار وی از شواهد تاریخی به حساب می آید، در آنجا ولیّ را به معنای ولایت گرفته و می سراید که امیرالمومنین(ع) به ولایت منصوب شد.

حجت الاسلام سادات منصوری رئیس مرکز پاسخگویی به سؤالات دینی سازمان تبلیغات اسلامی در مورد اینکه اهل سنت چه رویکردی به واقعه غدیر دارند بیان داشت: از نظر متون اصلی احادیث و روایات هیچ کس از اهل سنت نمی تواند واقعه غدیر را منکر شود و به هیچ وجه این واقعه قابل انکار نیست. همان طور که در کتب مهم شیعه مثل کتاب شریف الغدیر علامه امینی این مسئله دقیقاً با شواهد مختلفش به اثبات رسیده است. منتها اهل سنت تفسیرشان از روایت غدیر متفاوت است و نمی خواهند بپذیرند که این روایات دال بر ولایت حضرت امیر(ع) است.

حجت الاسلام یوسفی مقدم هم در پاسخ به این سوال اظهار داشت: اهل سنت در این زمینه بحث های مختلفی دارند یکی سلوی است که ذیل همین آیه تبلیغ، تأکید به موضوع ولایت امیر مومنان کرده است. یکی حاکم نیشابوری است که ایشان هم در تفسیر خود این مسئله را تفسیر می کند که ولایت امیرالمومنین(ع) را ذیل آیه تبلیغ، مطرح می کند. بسیاری از مفسران اهل سنت ولایت امیرمومنان(ع) را ذیل همین آیه تبلیغ بیان کرده اند و در خصوص آیه ولایت «انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة و یؤتون الزکوة و هم راکعون.» هم بسیاری از مفسرین اهل سنت، به موضوع ولایت امیرمومنان پرداخته اند. منتها دیدگاه اهل سنت دو دیدگاه است. یکی اینکه ولایت در مرحله اول متعلق به خلفای اول و دوم و سوم و بعد علی(ع) است. برخی از اهل سنت و معتزله هم هستند که براین باورند ولایت، حق امیرالمومنین(ع) بود اما ایشان از حق خود کوتاه آمدند و آن را به خلفا تفویض کردند. یعنی امیرمومنان اجازه دادند آنها هم دارای ولایت باشند.

حجت الاسلام محمد حسین مشکوری نی در این باره می گوید: اینکه حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری فرمودند غدیر فقط مسئله ای برای شیعه نیست به جهت این است که واقعه غدیر تنها روایتی است که تواتر در آن است. در مکتب اسلام، روایاتی که در حد تواتر باشد کم داریم. تواتر یعنی اینقدر این مسئله نقل شده که برای شما مثل روز روشن است که این اتفاق افتاده است. همه آن را نقل کرده اند. شیعه و سنی، بزرگ و کوچک آن را می دانند. مانند این است که حادثه ای سر کوچه رخ دهد چندین نفر آن را برای شما نقل کنند که این اتفاق افتاد با اینکه خودت آنجا نبودی آن را می پذیری. تنها روایتی که بین شیعه و سنی نقل شده و تواتر دارد حدیث غدیر است.

بنابراین شیعه و سنی هردو قائل به این واقعه هستند ولی رویکرد اهل سنت به این واقعه رویکرد مفهومی و نه اثباتی است. این حدیث برای همه متقن است اما فقط کسانی که امروز به عنوان اهل سنت تندرو حرف می زنند که خود اهل سنت اصیل و منصف هم برای آنها وقعی قائل نیستند در حدیث غدیر خدشه می کنند و می گویند «ولی» به معنای دوست و یار است. بسیار راحت برای کسانی که اهل دقت و انصاف باشند این حدیث قابل اثبات است. این ولی بدون شک مفهوم اولی به تصرف را می دهد. یعنی معنی مولا را می دهد. معنای دوست هم قرینه متصله هم قرینه منفصله دارد.

علامه امینی به خوبی در جلد اول الغدیر این مسئله را بحث کرده است. هر کسی غدیر را خوب بفهمد عاشورا را درک می کند. جامعه اسلامی ای که غدیر را رد کرده، چند ماه بعد از آن، حضرت فاطمه(س) را به شهادت می رساند و 50 سال بعد سیدالشهدا زیر سم های اسب می مانند. اگر جامعه اسلامی از این الگوها درس نگیرد، طبعاً با چالش روبرو خواهد شد. کما اینکه داریم می بینیم الان مسلمان، مسلمان را می کشد.

حجت الاسلام رستم نژاد هم در پاسخ به این سوال گفت: اهل سنت اصل واقعه غدیر را انکار نمی کنند و قبول دارند و لذا در منابع خودشان به صورت گسترده هم آورده اند. ابن جریر طبری اصلاً یک جلد کتاب درباره ولایت و حدیث ولایت دارد. بیش از هفتاد طریق از علمای اهل سنت نقل می کنند. علامه امینی در کتاب الغدیر می گوید: بیش از 300 متن و طریق از علما و دانشمندان و مشاهیر اهل سنت، حدیث غدیر را نقل می کنند. یعنی حدیث غدیر از حیث تعداد طرق بالاترین حدیث در جهان اسلام است. یعنی چنین حدیثی نداریم که تا این حد متواتر از شیعه و سنی نقل شده باشد. از نظر سند، اهل سنت هیچگونه شبهه ای ندارند نمی توانند هم داشته باشند. اما از حیث دلالت چرا! اینها معنای ولایت را در اینجا به معنای نصرت و یاری گرفتند. یعنی یار امیرالمومنین باشید یا به معنای محبت می گیرند که برای هردو پاسخ داریم.

ولایت اینجا نمی تواند به معنای یاری و محبت باشد برای اینکه اگر به معنای نصرت باشد سالها پیش از این آمده بود. چرا که بعضی از مومنین بر بعضی دیگر از آنها ولایت بالنصره دارند. از روز اول که پیامبر(ص) هجرت کردند، مومنین و مسلمانان باهم عقد اخوت بستند. انصار، مهاجرین را به خانه هایشان راه دادند و یاری شان کردند. نصرت، از همان سال اول هجرت واجب شد. به همین جهت هم به آنها انصار می گویند. آن وقت در آن زمان، مومنین از همدیگر ارث می بردند. از جمله مواردی که در اسلام نقل شده همین توارث بین مومنین در صدر اسلام بود. زیرا مهاجرین هیچ چیزی نداشتند و با انصار عقد اخوت خواندند. بر انصار واجب شد که مهاجرین را نصرت کنند. امیرالمومنین هم یکی از مهاجرین است. اگر بخواهیم ولایت را در اینجا به معنای نصرت بگیریم، حدود 10 سال پیش این مسئله آمده بود.

اگر به معنای محبت بگیریم، چند سال پیشتر محبت در آیه «قُلْ لَا اسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ اجْرًا اَللّٰمُودِهٖ فِی الْقُرْبٰی» آمده بود. یعنی مودت امیرالمومنین هم واجب شده بود. بنابراین در غدیر چیزی مانده بود که پیغمبر (ص) می خواست درباره آن بگوید. غدیر مسئله جدیدی بود و لذا پیغمبر(ص) فرمود مسلمانان در صحرای غدیر جمع شوند و فرمود پیک حق پیام جدیدی آورده است.

اما جواب دوم هم این است که ولایت علی(ع) ولایتی در عداد ولایت خدا و پیغمبر است. آیا ولایت پیغمبر(ص) هم فقط در حد محبت و نصرت است؟ خیر! برای اینکه طبق آیه صریح قرآن ولایت پیغمبر(ص) بر جان مسلمانان است. «الَّتِیْ اُولٰٓئِیْ بِالْمُؤْمِنِیْنَ مِنْ اَنْفُسِهِمْ» آن ولایت خدایی و شرعی است. نمی تواند در حد نصرت یا در حد محبت باشد چرا که تمام مومنین نه تنها بر هم محبت دارند بلکه باید اخوت داشته باشند زیرا خداوند می فرماید «اِنَّمَا الْمُؤْمِنُوْنَ اِخْوَةٌ» مومنین همه با هم برادرند. یعنی از محبت هم فراتر، اخوت دارند.